خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

۹ حادثه رانندگی با ۲ کشته و ۱۹ مجروح طی یک روز

جمعه پرحادثه

آگاهی- جاده های خراسان شمالی در روز جمعه در نقاط مختلف استان با رخ دادن ۹ تصادف و مصدومیت ۱۹ نفر و ۲ قربانی رنگ خون به خود گرفتند. به گزارش خبرنگار ما آخر هفته گذشته جاده های استان به ویژه محورهای فرعی استان شاهد بروز تصادفات بسیاری بودند که اغلب آن ها واژگونی به ویژه واژگونی خودروی پراید بود. به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر خراسان شمالی، روز جمعه ۵ خودروی پراید در محورهای اصلی و فرعی شیروان به بجنورد، اسفراین به بجنورد و بجنورد به جنگل گلستان واژگون شدند که در این ۵ سانحه ۱۱ نفر مصدوم شدند و یک نفر فوت کرد. فرد قربانی این ۵ حادثه در کیلومتر ۸ محور اسفراین به بجنورد بر اثر واژگونی خودرویش در دم فوت کرد. اما روز جمعه محور بجنورد- گلستان مقابل روستای چشمه خان شاهد بروز ۲ تصادف بود که یکی از آن ها واژگونی خودروی برلیانس بود. بر اساس گزارش هلال احمر استان این حادثه ۴ حادثه دیده داشت که یکی از مصدومان به بیمارستان منتقل شد. واژگونی خودروی نیسان وانت در محور روستایی «باداملق» شیروان دیگر حادثه خونین روز جمعه بود که در پی آن یک نفر کشته شد و ۳ نفر بر اثر شدت جراحات وارد شده راهی بیمارستان شدند. علاوه بر روستای چشمه خان، روستای بیگان نیز روز جمعه شاهد بروز ۲ واژگونی بود که یکی از آن ها واژگونی خودروی سمند بود و دیگری واژگونی خودروی پراید بود. بر اثر واژگونی خودروی سمند ۴ نفر مصدوم شدند. گزارش خبرنگار ما حاکی است یکی از واژگونی های خودروهای پراید در روز جمعه در محور بجنورد- شیروان و محدوده پارک بابامان بود که در پی بروز این سانحه و توقف خودروها یک موتورسیکلت بر اثر بی احتیاطی با خودروهای متوقف شده برخورد کرد و راننده آن مصدوم شد. رئیس پلیس راه خراسان شمالی در گفت و گو با خبرنگار ما علت بروز سوانح مختلف در روز جمعه را بی احتیاطی، توجه نداشتن به جلو و خواب آلودگی اعلام کرد و اظهار داشت: با مساعد شدن هوا اغلب هم استانی ها در روزهای پنجشنبه و جمعه به سمت روستاهای خوش آب و هوای استان حرکت می کنند اما به دلیل رعایت نکردن مقررات راهنمایی به ویژه توجه نداشتن به جلو و سرعت مطمئنه دچار حادثه می شوند. وی وقوع تصادفات متعدد در جمعه گذشته را نسبت به هفته های پیشین و مدت مشابه سال های قبل زیاد ندانست و اظهار داشت: متأسفانه طی سال های اخیر در ۶ ماه نخست سال در روزهای جمعه شاهد بروز تصادفات متعدد به ویژه واژگونی هستیم و برای کاهش این تصادفات هم استانی ها باید بیش از گذشته توجه به جلو و پرهیز از سرعت غیر مجاز را مورد توجه قرار دهند تا دچار حادثه نشوند.

سرقت از خانه و فرار به خانه شیطان

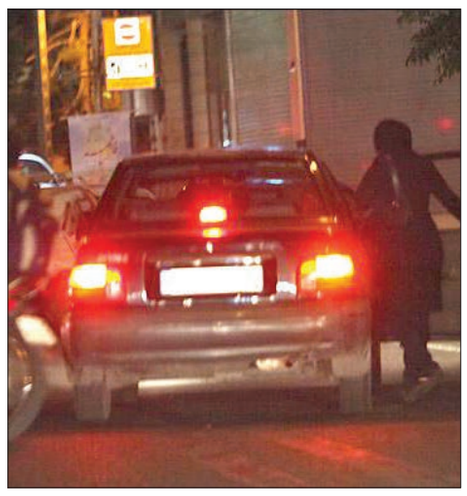

صدیقی- خودروهای زیادی جلوی پایم ترمز می کردند و من هم بی اعتنا به آنها هم چنان به راهم ادامه می دادم، تا این که دیگر بریدم و تصمیم گرفتم با اولین بوق سوار شوم. چند دقیقه ای گذشت تا این که یک ماشین که راننده میانسالی داشت جلوی پایم ترمز کرد و من هم بدون حرفی سوار ماشینش شدم. در مسیر نه من حرفی زدم و نه راننده حرفی زد و سکوت عجیبی داخل ماشین حکمفرما بود. اینها بخشی از صحبت های دخترکی است که از خانه فرار کرده بود. دخترک که رنگ به رخسارش نمانده است و ترس و دلهره در چشمانش موج می زند درباره ماجرای زندگی و فرار از خانه اش می گوید: بعد از فوت پدرم احساس پوچی می کردم و پشتم خالی شده بود. به خاطر همین دنبال کسی بودم که تکیه گاهم باشد و بتوانم با او درد دل کنم. مادرم بعد از فوت پدرم خیلی به تنگنا افتاده بود و مجبور بود برای سیر کردن شکم مان برای مردم کارگری کند. شب ها چنان از دردناشی از کار زیاد به خودش می پیچید که به ناچار برای آرام کردن دردش مواد مصرف می کرد تا بتواند خودش را سرپا نگه دارد و سر کار دوام بیاورد. دخترک غمگین ادامه می دهد: ۱۲ سال بیشتر نداشتم که در مسیر مدرسه با یک پسر چرب زبان آشنا شدم که همکلاسی ام باعث آشنایی مان شده بود زیرا خواهر زاده پسر مورد علاقه ام بود.

اوایل این دوستی مان بیشتر کلامی و تلفنی بود. نه از قرار خبری بود و نه از بیرون رفتن فقط جلوی مدرسه یکدیگر را می دیدیم و از طریق نامه با هم حرف می زدیم. چند سالی به این منوال گذشت تا اینکه ۱۷ ساله شدم و کم کم رابطه مان شکل و شمایل دیگری به خودش گرفت . در همین حال و هوا بودم که روزی پسر مورد علاقه ام یک برگه به من نشان داد و گفت به شخصی چک داده است و اگر جای حساب را پر نکند حتما به زندان می افتد و از من خواست که چند میلیونی برایش فراهم کنم. من که خیلی به او علاقه داشتم پنهانی مقداری از پس انداز مادرم را که با هزار بدبختی و کارگری برای مردم به دست آورده بود برداشتم و به پسر مورد علاقه ام دادم. دختر تنها و درمانده با بغض به صحبت هایش ادامه می دهد: بعد از این که پول را به پسر مورد علاقه ام دادم دیگر از آن روز به بعد خبری نه از خودش بود و نه جواب تلفنش را می داد و مدتی بعد گوشی اش را هم خاموش کرد و ناپدید شد. چند وقتی به این منوال گذشت تا این که مادرم به همراه خاله ام تصمیم گرفتند به مسافرت زیارتی بروند و من با اطلاع از این موضوع که مادرم روی پول های پس اندازش که من بر باد داده بودم حساب باز کرده است از ترس عکس العمل شدید مادرم از خانه فرار کردم و از روستا به شهر آمدم. وقتی به شهر رسیدم نه جایی برای رفتن داشتم و نه غذایی برای خوردن و بی هدف و خسته و گرسنه در خیابانها راه می رفتم تا اینکه کم کم هوا تاریک شد و رمقی در پاهایم نمانده بود. ماشین های زیادی جلوی پایم ترمز می کردند و من هم بی اعتنا به آنها هم چنان به راهم ادامه می دادم، تا اینکه دیگر بریدم و تصمیم گرفتم با اولین بوق سوار شوم . چند دقیقه ای گذشت تا این که یک ماشین که راننده میانسالی داشت جلوی پایم ترمز کرد و من هم بدون حرفی سوار ماشینش شدم. در مسیر نه من حرفی زدم و نه راننده حرفی زد و سکوت عجیبی داخل ماشین حکم فرما بود. چند دقیقه ای گذشت تا این که به حاشیه شهر رسیدیم و راننده جلوی یک خانه متروکه ایستاد. خیلی ترسیده بودم و زبانم بند آمده بود اما به ناچار از ماشین پیاده شدم. زمانی که وارد خانه شدم تعدادی زن را دیدم که دور هم جمع شده بودند و مواد مصرف می کردند . با ورود من همه نگاه ها به سوی من برگشت و من بدون زدن حرفی گوشه ای نشستم و از درد پا ناله می کردم. پس از چند دقیقه کنار زن های حاضر در خانه متروکه نشستم و کمی مواد مصرف کردم و بعد خوابیدم. دختر با چشمانی پر از اشک و بغض در گلو درباره ماجرای روز بعد چنین می گوید: روز بعد زمانی که از خواب بیدار شدم خبری از آن چند زن شب قبل نبود و به جای آنها چند مرد نشسته بودند و مشغول مصرف مواد بودند. با دیدن آن چند مرد شیطان صفت خیلی ترسیدم خواستم به بهانه های مختلف از آنجا فرار کنم اما بی فایده بود و توسط آن چند مرد مورد آزار و اذیت قرار گرفتم. بعد از این که به هوش آمدم وضعیت خیلی بدی داشتم و از درد به خودم می پیچیدم. روزها گذشت و در این مدت به خاطر سرپناه و غذایی که به من می دادند مجبور می شدم تن به هر کاری بدهم و از من سوءاستفاده های زیادی شد. دخترک که در این مدت بلاهای مختلفی بر سرش آمده بود درباره چگونگی فرار خود از آن خانه فساد می گوید: بعد از این که مدتی را در آنجا سپری کردم کم کم اعتماد آنها را به خودم جلب کردم و آنها از من خواستند که مقداری مواد به دست مصرف کننده برسانم. من هم این فرصت را غنیمت شمردم و از خانه با مقداری مواد بیرون آمدم. زمانی که پایم را بیرون از آن خانه فساد گذاشتم به یاد مادر پیرم افتادم و خیلی دلم تنگ شده بود به خاطر همین سریع از طریق یک تلفن عمومی با خانه مان تماس گرفتم. نزدیک یک ماه بود که از خانواده ام خبری نداشتم. وقتی پای تلفن صدای مادرم را شنیدم زدم زیر گریه و فقط هر دو مدتی پشت تلفن گریه می کردیم و توان صحبت کردن نداشتیم.

چند دقیقه ای گذشت تا این که دامادمان گوشی را از مادرم گرفت و از من آدرسم را پرسید ولی من آدرس آن محل را نمی دانستم و از شدت خجالت گوشی را قطع کردم. بین دو راهی گیر افتاده بودم که خودم را به پلیس معرفی کنم یا اینکه نزد خانواده ام برگردم و در همین افکار بودم که دوباره درد به سراغم آمد و بی هدف در خیابان به همراه مقداری مواد راه می رفتم. مدام اشک های مادرم جلوی چشمانم بود و با چشمانی اشک آلود به اطرافم نگاه می کردم تا این که توسط پلیس با مقداری مواد دستگیر شدم. دختر آواره که گرفتار تصمیم اشتباه و ویرانگر خود شده بود توسط یک ارگان دولتی مورد حمایت قرارمی گیرد تا دوباره بعد از بازسازی افکار و جسم خود نزد خانواده اش برگردد و یک زندگی آبرومندانه ای را در پیش بگیرد.

نظر کارشناس

فرار، اقدام به ترک خانواده و فامیل بدون اجازه ولی یا سرپرست قانونی است و در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد، نامساعد، غیر قابل تحمل و تغییر ناپذیر است. به عبارتی این عمل یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناملایمات زندگی و خلاصی از محرک های آزار دهنده و دستیابی به خواسته های مورد نظر و عموما دور و دراز به کار گرفته می شود . اما شواهد نشان می دهد که پس از فرار نه تنها مشکلات دختران کاهش نمی یابد بلکه فرد وارد یک چرخه آسیب زای اجتماعی می شود که پیامدهای منفی زیادی را برای او و جامعه در پی دارد. اکنون به راه های پیشگیری از فرار می پردازیم که عبارتند از: ایجاد محیطی امن و سالم از لحاظ عاطفی وجسمانی (گوش دادن به صحبت های فرزند، پرهیز از تحقیر وسرزنش آنان،جلوگیری از انتقاد بیش از حد ،تمسخر وتنبیه و...)استحکام نظام خانواده ،افزایش توان مالی خانواده های آسیب پذیر، آموزش به خانواده ها در خصوص شیوه برخورد مناسب با فرزندان وآشنایی آنان با ویژگی های دوران نوجوانی و بلوغ، داشتن یک هدف مشخص در زندگی ، پایبندی به سنت ها و ارزش های دینی و اجتماعی ، مشاوره و مددکاری خانواده در مناطق آسیب پذیر،فراهم کردن زمینه اشتغال نوجوانان، توجه به زنان و دختران به عنوان قشر آسیب پذیر.

خانواده یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن به خصوص روابط والدین با فرزندان مهمترین عنصر تشکیل دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد مرهون ارتباط موثر و مطلوب والدین با فرزندان است. یکی از مهمترین شیوه های این ارتباط همدلی است .

حادثه در شهر

سرقت با شگرد امانت گرفتن

سارقی که با ترفندهای مختلف اموال مردم را به بهانه امانت گرفتن به سرقت می برد حین فروش مال سرقتی توسط یکی از مالباختگان به دام افتاد. به گزارش خبرنگار ما مرد مالباخته که به شدت از این اتفاق ناراحت است در این باره گفت: روزی نزدیک ظهر بود که زنگ آیفون خانه به صدا درآمد، وقتی گوشی آیفون را برداشتم شخصی ناشناس را در تصویر دیدم که عنوان کرد همسایه جدید سر کوچه است و به خاطر جابجایی مصالح ساختمانی چند ساعتی فرغون من را لازم دارد . من که در رودربایستی قرار گرفته بودم در را باز کردم . چند دقیقه ای گذشت ، نگرانی عجیبی داشتم چون چهره او بیشتر به آدم های دوره گرد می خورد. سریع داخل کوچه آمدم تا ببینم شخص ادعا کننده آیا واقعا همسایه است یا دوره گرد است. هر چقدر کوچه های اطراف را جستجو کردم اثری از شخص حیله گر پیدا نکردم.روز بعد زمانی که به سراغ چند کارگر که در حاشیه خیابان مشغول کار بودند رفتم و داستان را برای آنها تعریف کردم در کمال تعجب متوجه شدم مرد چرب زبان فرغون نوی آنها را نیز به بهانه جابجایی مصالح ساختمانی امانت گرفته و بعد به سرقت برده بود. بعد از شنیدن این ماجرا تصمیم گرفتم به همراه یک نفر دیگر به محل خرید و فروش اجناس دست دوم بروم تا شاید ردی از او پیدا کنم. وقتی به محل خرید و فروش اجناس کهنه رسیدیم در کمال ناباوری سارق را دیدم که علاوه بر فرغون من چند فرغون نوی دیگر را نیز کنار هم چیده بود و در حال فروش آنها با قیمت پایینی بود. با دیدن این وضعیت عصبانی شدم و سارق را حین فروش مال سرقتی گیر انداختم.

خبر

کشف ۷ هزار و ۹۰۰ نخ سیگار و قرص قاچاق

صدیقی-مدیر کل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی از کشف و ضبط ۷ هزار و ۹۰۰ نخ انواع سیگار قاچاق و قرص های غیر مجاز در استان خبر داد.

«سیدالموسوی» به خبرنگار ما گفت: در پی دستگیری فردی مظنون به قتل توسط ماموران انتظامی استان و بازرسی خودروی وی تعداد ۷هزار و ۹۰۰ عدد نخ انواع سیگار و قرص های غیر مجاز کشف و ضبط شد.

وی افزود: در این رابطه برای متخلف پرونده تشکیل شد و پرونده توسط مراجع انتظامی به اداره کل تعزیرات استان برای سیر مراحل قانونی و صدور حکم ارسال شد.

خبر

نجات دوچرخه سوار پس از سانحه شدید

دوچرخه سواری بعد از سقوط به داخل چاله دچار سانحه شدید شد و به شدت با سر با زمین برخورد کرد که بعد از دو روز بی هوشی در بیمارستان از مرگ نجات یافت. دوچرخه سوار که زنده ماندنش را یک معجزه می داند در این باره گفت: روزی به همراه چند تن از دوستانم در حال دوچرخه سواری بودیم که ناگهان با چاله ای مواجه شدم و وقتی خواستم چاله را پشت سر بگذارم تعادلم را از دست دادم و با سقوط از روی دوچرخه به شدت با سر با آسفالت برخورد کردم و بی هوش شدم. بعد از اینکه به هوش آمدم متوجه شدم سرم مورد عمل جراحی قرار گرفته و در بیمارستان بستری هستم. وقتی ماجرا را از یکی دوستانم پرسیدم گفت: بعد از سقوطم از روی دوچرخه و برخورد سرم با آسفالت بی هوش شدم و آنها به سرعت مرا به بیمارستان رسانده بودند. به گفته دوستم آنها اصلاً امیدی به زنده ماندن من نداشتند و به هوش آمدن من را بعد از دو روز بیشتر معجزه می دانستند.

اجاره سوله
۵۰۰ متر – با تمام امکانات
۰۹۲۱ ۶۰۵ ۷۵۴۷
۹۶۰۱۴۰۲۶/و

۹۶۰۲۲۸۱۲/و
۹۶۰۲۲۳۸۱/و